

چندپارگی واردات کالا‌های اساسی؟



وحید عظیم‌نیا دبیر گروه اقتصادی

شود. دولت‌ها معمولاً در شرایط محدودیت ارزی یا فشارهای تورمی، گاهی به سمت تمرکززدایی از تصمیم‌های اقتصادی می‌روند تا فرایندها را سریع‌تر و قابل کنترل تر کنند. تفویض اختیار به استان‌های مرزی نیز می‌تواند از همین جنس باشد چراکه این استان‌ها در مجاورت مرزها قرار دارند و از ظرفیت ارتباط مستقیم با کشورهای همسایه برخور دارند، با این حال اصل موضوع در ماهیت آن و نحوه اجراس‌ت، اگر این واگذاری بدون طراحی دقیق سازو کار ارزی، نظارتی و لجستیکی انجام شود، پیامد آن می‌تواند برهم خوردن یکپارچگی سیاست وارداتی کشور باشد.

کالا‌های اساسی به دلیل نقش‌شان در معیشت مردم، همواره در زمره کالا‌های راهبردی قرار دارند و تأمین و توزیع آنها با سیاست‌های ارزی، گمرکی، بهداشتی و حتی امنیتی پیوند خورده است. وقتی تصمیم درباره واردات آنها از سطح ملی به سطح استانی منتقل شود، در عمل چندین مرجع تصمیم‌گیر شکل می‌گیرد که ممکن است سیاست‌های متفاوتی اتخاذ کنند. این چندگانگی، ریسک افزایش نوسان در بازار را بالا می‌برد. بخشی از تصمیم دولت به نقش بانک مرکزی مربوط می‌شود. دبیر هیئت دولت مدعی شده است «وزارتخانه‌های ذی‌ربط و بانک مرکزی، بخشی عمده‌ای از اختیاراتی را که به صورت ملی و انحصاری برای واردات کالا‌های اساسی وجود دارد به استانداران مرزی واگذار می‌کنند.» چنین ادعایی چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ یا هر استاندار می‌تواند برای واردکنندگان استان خود، درخواست ارز متمرکز تخصیص ارز یا چندین درگاه جدید مواجه می‌شود، در نتیجه نظارت بر جریان ارز دشوار و احتمال انحراف در تخصیص منابع افزایش پیدا می‌کند. از سوی دیگر، اگر قرار باشد از هم‌چنان در سطح ملی تخصیص یابد و تنها فرایند اجرایی واردات در استان انجام شود، فلسفه اصلی این واگذاری، یعنی چابکی و تسهیل، زیر سؤال می‌رود، چون مشکل اصلی واردکنندگان در دیوان‌سالاری ارزی و نه در مراحل ثبت سفارش یا حمل‌ونقل است!

ظاهراً تأنضات در این تصمیم دولت تمامی ندارد مثلاً استانداران آذربایجان غربی و سیستان وبلوچستان تصمیم بگیرند از ترکیه و پاکستان یک کالایی وارد کنند، اگر نرخ ارز را هزینه حمل‌ونقل در هر استان متفاوت محاسبه شود، نتیجه آن ایجاد چند نرخ مؤثر برای یک کالای واحد در بازار ملی است. چنین تفاوتی قیمت کالا‌های اساسی را در استان‌های مختلف ناهماهنگ می‌کند و طبعاً مسیر قاچاق معکوس را نیز یز می‌گذارد.

یکی دیگر از ابهامات جدی این طرح، نقش استان‌های غیر مرزی است. در ساختار جدید، استانداران مرزی امکان واردات خواهند داشت، اما اگرچه اساسی قرار نیست فقط در همان استان‌ها مصرف شوند. استان‌های مرزی از جمله تهران، اصفهان یا فارس، بخش عمده‌ای از تقاضای کالا‌های اساسی کشور را تشکیل می‌دهند. آیا این استان‌ها باید برای تأمین نیاز خود از استان‌های مرزی خرید کنند؟ اگر چنین است، سازوکار توزیع چگونه خواهد بود؟ آیا دولت شبکه‌ای از مبادلات بین‌استانی را طراحی کرده‌است یا این روابط به بازار آزاد سپرده می‌نود؟ به عنوان مثال، اگر استاندارد خوزستان مجاز به واردات ذرت دامی از بندر امام‌ره باشد و استاندارد آذربایجان برخی روغن نباتی از ترکیه وارد کند، چگونه تامین عرضه و تقاضا در سطح ملی حفظ می‌شود؟ اگر هر استان بتواند برای خود تصمیم بگیرد، آیا امکان دارد برخی کالا‌هایش از نیاز وارد شوند و برخی دیگر دچار کمبود شوند؟ چنین سؤالاتی نشان می‌دهد بدون نقشه واحد توزیع، واگذاری اختیارات واردات به استان‌ها ممکن است به فایت ناسالم میان دولت تبدیل شود. استان‌هایی که مرز فعال‌تری دارند، واردات بیشتری انجام می‌دهند و استان‌های داخلی ناچار می‌شوند کالا را از آنها با قیمت بالاتر خریداری کنند، در نتیجه شکاف قیمتی میان استان‌ها افزایش می‌یابد.

بازار کالاهای اساسی نسبت به کوچک‌ترین تغییرات در سیاست‌های ارزی و تجاری حساس است. اگر هر استان بتواند با کشور خاصی معامله کند، نرخ‌های متفاوتی برای واردات شکل می‌گیرد. این تفاوت، وقتی با نوسانات ارزی ترکیب شود، به سرعت در قیمت مصرف‌کننده منعکس می‌شود. در چنین شرایطی، احتمال دارد کالا‌های واردشده در استان‌های مرزی باقیمت پایین‌تر به استان‌های دیگر فروخته شوند یا حتی به‌صورت قاچاق معکوس به کشورهای همسایه بازگردند. تجربه قاچاق معکوس سوخت نشان داد هرگونه تفاوت قیمت داخلی و خارجی، به سرعت مسیرهای غیررسمی را فعال می‌کند. از این منظر، واگذاری اختیارات واردات بدون سیاست واحد ارزی و نظارتی، می‌تواند بازار کالا‌های اساسی را به صحنه‌ای از قیمت‌های متنوع و بی‌ثبات تبدیل کند.

موضوع دیگری که هنوز توضیح روشنی درباره آن داده نشده، نحوه نظارت بر کیفیت کالا‌های وارداتی است. کالا‌های اساسی مانند برنج، روغن، گندم یا نهاده‌های دامی، نیازمند کنترل دقیق بهداشتی و استاندارد ی هستند. اگر هر استان مسئول واردات باشد، آیا سازمان غذا و دارو یا سازمان استاندارد در همه مراحل نظارت حضور دارد؟ ممکن است برخی استان‌ها برای کاهش هزینه‌ها مسیرهای غیررسمی واردات یا کالا‌های باکیفیت پایین‌تر استفاده کنند. نتیجه این روند، ناهماهنگی در کیفیت کالا‌های عرضه‌شده در بازار ملی است. این در حالی است که باید کالای اساسی با استاندارد یکپناخت در سراسر کشور توزیع شود. تفویض اختیار این بدون این تضمین انجام شود، اعتماد عمومی به نظام تأمین کالا را کاهش می‌دهد.

در پس این تصمیم، انگیزه‌های مدیریتی نیز دیده می‌شود. دولت‌ها گاهی برای تقویت نقش استانداران و افزایش احساس مسئولیت در استان‌ها، اختیارات بیشتری به آنها می‌دهند. از منظر حکمرانی، این امر قابل تحسین است، اما در اقتصاد، قدرت تصمیم‌گیری باید با ظرفیت اجرایی و نظارتی متناسب باشد. استاندارها در حال حاضر با محدودیت نیروی انسانی و بودجه مواجهند. اضافه شدن مسئولیت واردات کالا‌های اساسی، بدون تأمین منابع لازم، ممکن است به سردرگمی مدیریتی بینجامد. همچنین استانداران در معرض فشارهای محلی قرار دارند، ممکن است برای رضایت گروه‌های خاص یا فعالان اقتصادی محلی، تصمیم‌هایی بگیرند که با سیاست ملی مغایر باشد.

تمرکززدایی بدون هماهنگی، شبیه آزاد کردن قطعاتی از یک تصمیم است بدون آنکه تصویر نهایی مشخص باشد. اگر هدف دولت تسهیل تأمین کالا‌های اساسی است، لازم است پیش از هر اقدامی، تصویر بزرگ‌تر این سیاست روشن شود. در غیر این صورت، خطر چندپاره شدن واردات و ناهماهنگی در بازار، بیش از فایده چابکی اداری خواهد بود. در شرایط فعلی، بازار کالا‌های اساسی بیش از هر چیز نیازمند اطمینان و پیش‌بینی‌پذیری است. هر تصمیمی که این دو مؤلفه را تضعیف کند، حتی اگر با نیت تسهیل گرفته شود، در نهایت به افزایش هزینه‌ها و بی‌ثباتی بازار منجر می‌شود. هنوز چیزی مشخص نیست، اما جهت‌گیری فعلی نشان می‌دهد دولت باید مین سرعت و انسجام، توازن دقیقی برقرار کند که اگر به‌درستی رعایت نشود، ممکن است واردات کالا‌های اساسی را پرآکنده‌تر کند.



گزارش یک هادی اسماعیلی

روزنامه جوان | شماره ۷۴۵۰ | پنج‌شنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۴ | ۲۲ جمادی‌اول ۱۴۴۷ |

روزنامه جوان | شماره ۷۴۵۰ | پنج‌شنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۴ | ۲۲ جمادی‌اول ۱۴۴۷ |

«تسویه هوشمند» گره‌های تولید را باز می‌کند

طرح «تسویه هوشمند» به عنوان ابزاری کارآمد برای رفع تنگنای سرمایه‌در گردش واحدهای تولیدی مطرح شده و بناست پرداخت‌های اعتباری را برخط و خودکار سازد و تولیدکنندگان را از چرخه معیوب کمبود نقدینگی رهایی بخشد



رفاه‌هشتری | جوان

دولت پنا دارد راه‌حلی جدید برای حمایت از تولید روی میز بگذارد و به همین منظور، وزیر «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» در جلسه روز گذشته هیئت دولت، طرح «تسویه هوشمند» را تشریح کرد و بناست این سازوکار برخط

سرمایه‌در گردش را بر پایه داده‌های واقعی بیمه و گردش مالی مدیت کند. هرگاه موجودی حساب واحد تولیدی از سطح پایه اعتبار پایین‌تر رود، سیستم بانکی به صورت خودکار کمبود را جبران می‌کند و با وصول مطالبات یا فروش محصول، تسویه فوری و برخط انجام می‌شود. این چرخه پویا، بدون کاغذبازی و ضامن اضافی، جریان پول را در رگ‌های تولید جاری می‌سازد و ایستایی خطوط تولید جلوگیری می‌کند.

یکپارچه بانک مرکزی و وزارت صمت، بناست ریسک بانک‌ها را با پایین آورد، تسهیلات پرزحمت، بلکه اعتباری پویا و برخط که با هر واریزی، خود را تنظیم می‌کند. لازمایش جمعیت حساب‌ها در بانک‌های مشخص و ثبت دقیق خرده‌ها در سامانه جامع تجارت است تا شفافیت کامل حاکم شود. این طرح، در واقع پاسخی هوشمندانه به بحران‌های اخیر است که بسیاری از زنجیره‌های تأمین را مختل کرده است، همچنین واحدهای تولیدی با قطع برق، تأخیر در ثبت سفارش و کمبود نقدینگی دست و پنجه نرم کردند. حالا دولت نیاز کمک دارد و تسویه هوشمند ضمن آنکه سرمایه‌در گردش را تأمین می‌کند، تحریف منابع جلوگیری می‌کند. این مکانیسم، شبیه تأمین مالی زنجیره‌ای است که پیش‌تر بانک مرکزی تجربه‌اش کرده، اما هوشمندتر و سریع‌تر عمل می‌کند.

تسویه هوشمند بر پایه فناوری‌های نوین بانکی استوار است. سیستم‌های پرداخت برخط (ریال‌تایم) که بانک مرکزی توسعه داده، محور این طرح هستند. وقتی موجودی حساب کمتر از پایه اعتبار شود، الگوریتم‌های هوشمند بانک کمبود را از محل اعتبار تخصیصی جبران می‌کنند. این فرایند، بدون نیاز به ضامن اضافی یا کاغذبازی، در سری از ثانیه انجام می‌شود.

از سویی دیگر، با وصول چک‌ها یا فروش محصولات، موجودی افزایش می‌یابد و سیستم به طور خودکار بدهی را تسویه می‌کند. این چرخه پویا، ریسک بانک‌ها را کاهش می‌دهد و تولیدکنندگان را به گردش مالی سالم تشویق می‌کند.

تسویه هوشمند سر مایه‌در گردش را تأمین می‌کند و با مکانیسم برخط و شفاف، هزینه‌های مالی بنگاه‌ها را کاهش می‌دهد و تولید را به موتور محرک اقتصاد تبد یل می‌کند

تسویه هوشمند سر مایه‌در گردش را تأمین می‌کند و با مکانیسم برخط و شفاف، هزینه‌های مالی بنگاه‌ها را کاهش می‌دهد و تولید را به موتور محرک اقتصاد تبد یل می‌کند

طلا ی بی فاکتور در دام مالیات

سازمان مالیاتی اعلام کرد از سال ۱۴۰۶ همه معاملات طلا باید الکترونیکی و شفاف انجام شود

خواهند شد. هدف اصلی این سیاست‌ها، ایجاد نظم اقتصادی، افزایش شفافیت و جلوگیری از تخلفات محدود برخی واحدهاست. اجرای قوانین جدید مالیاتی در حوزه طلا را می‌توان گامی مهم در راستای شفافیت اقتصادی، از سال ۱۴۰۶ آغاز می‌شود و هدف از آن، الزام طلافروشان به ثبت الکترونیکی معاملات، علاوه بر کاهش زمینه‌های فرار مالیاتی، موجب برقراری رقابت سالم میان واحدهای رسمی و غیررسمی و ساماندهی جریان نقدی در یکی از حساس‌ترین بازارهای کشور می‌شود، با این حال تجربه نشان داده است صرفاً تصویب قانون برای مقابله با تخلفات کافی نیست و اجرای اثربشی این مقررات نیازمند ترکیب نظارت هوشمند، آموزش صنفی و مشوق‌های اقتصادی است. برای تحقق کامل اهداف این طرح، ضروری است چند راهکار از جمله هزینه‌های متعارف خریدها، اجاره، استهلاک و حقوق کارکنان نیز در محاسبه این لحاظ خواهد شد. قانون پایانه‌های فروشگاه‌های و سامانه مۇدیان به‌همراه قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی، از مهم‌ترین تحولات اخیر نظام مالیاتی در حوزه طلا به‌شمار می‌روند. بر اساس این قوانین، تمامی طلافروشان موظفند برای هر معامله صورتحساب الکترونیکی صادر و آن را در سامانه مربوط ثبت کنند. فروش طلا به واحدهای دارای صورتحساب الکترونیکی از شمول مالیات بر عایدی سرمایه

خارج است، اما فروش خارج از این چارچوب، مشمول پرداخت ۲۵ درصد مالیات بر مبلغ فروش خواهد شد. به گفته‌مهدی موحدی، سخنگوی سازمان امور مالیاتی کشور، اجرای کامل این مقررات از سال ۱۴۰۶ آغاز می‌شود و هدف از آن، رسمی‌سازی معاملات و حمایت از فعالان شفاف و دارای مجوز است. واحدهای صنفی که درآمد خود را کتمان یا از ارسال صورتحساب‌های الکترونیکی به سامانه مۇدیان خودداری کنند، طبق قانون با جریمه و بر خورد مالیاتی مواجه خواهند شد.

نرخ سود برای محاسبه این نوع مالیات بر اساس حجم فروش و نوع فعالیت تعیین می‌شود و در نظرته‌ها در این بازار به‌صورت ویژه انجام می‌شود و از مردم درخواست می‌کنیم هنگام خرید، حتماً طلای خود را به‌صورت فیزیکی تحویل بگیرند. در برخی واحدهای صنفی، معاملات به‌صورت کاغذی انجام می‌شود که این اقدام تخلف است. یکی از چالش‌های مهم بازار طلا، شفاف‌سازی درآمدها و تراکنش‌های مالی است. برخی واحدهای صنفی تمامی تراکنش‌های خود را به‌صورت شفاف ثبت نمی‌کنند یا از حساب‌های غیر تجاری برای فعالیت اقتصادی استفاده می‌کنند. قانون برای مقابله با این پدیده، ابزارهایی همچون سامانه‌های هوشمند مالیاتی، نرم‌افزارهای

زینب زرین

جدال وارداتی‌ها و تولیدکنندگان در بازار لوازم خانگی

صنعت لوازم خانگی با ۶۰۰ واحد تولیدی و ۳۰۰هزار نیروی کار مستقیم، سالانه ۵میلیارد دلار صرفه‌جویی ارزی دارد اما وارداتی‌ها در تلاش برای تصاحب این بازار ۷میلیارد دلاری هستند

صنعت لوازم خانگی به تولید بیش از ۷۰ درصد نیاز بازار دست یافته و اکنون سالانه بیش از ۲۰میلیون دستگاه تولید می‌کند و با ۶۰۰ واحد تولیدی فعال، ۳۰۰هزار شغل مستقیم و بیش از یک‌میلیون شغل غیرمستقیم، سالانه ۵میلیارد دلار صرفه‌جویی ارزی برای کشور به همراه دارد، صادرات آن نیز به ۳۴۰میلیون دلار رسیده‌است، با وجود این دستاوردها، همانند سایر بخش‌ها با تحدیدیز کم‌رزد وارداتی بی‌رویه مواجه است.

■ ■ ■

اقتصاد کشورمان درگیر یک جنگ تمحیلی چندوجهی است و طبعاً در چنین شرایطی دسترسی به منابع ارزی محدود می‌شود و باید هزینه‌کرد منابع ارزی مدیریت شود و هوشمندانه باشد. بازار لوازم خانگی یکی از حوزه‌های ارزی‌بود که سالانه بیش از ۷میلیارد دلار ارز کشور را مصرف می‌کرد اما در سال ۱۳۹۷ که تحریم‌های امریکا تشدید شد و دوویژند(برند) لوازم خانگی در راستای اثربخشی تحریم‌های امریکا و بدون توجه به تعهداتی که داشتند، کشورمان را ترک کردند، صنعتگران ایرانی نیاز داخلی این بازار را تأمین کردند، به همین سبب از خروج سالانه بیش از ۷میلیارد دلار از کشورمان جلوگیری کردند. به گفته نسرین اجاقی، دبیر انجمن صنایع لوازم خانگی، «در سال ۱۳۹۷ بیش از ۷میلیارد دلار صرف واردات لوازم خانگی به کشور می‌شد، در حالی که امروز واردات قطعات مورد نیاز صنعت کمتر از ۱/۵میلیارد دلار ارزی دارد. در شش‌ماهه نخست امسال، صنعت لوازم خانگی حتی بدون دریافت ارز رسمی توانسته است خطوط تولید خود را حفظ کند، این در حالی است که برندهای خارجی در اولین تغییر شرایط سیاسی کشور را ترک کردند»

وی تصریح می‌کند: «تولید لوازم خانگی از حدود ۸میلیون دستگاه در سال ۱۳۹۷ به بیش از ۲۰میلیون دستگاه در سال ۱۴۰۳ رسیده و صادرات نیز از مرز ۲۴۰میلیون دلار عبور کرده است. این روند نشان‌دهنده رشد، نه ضعف کیفی تولید داخلی است. در دهه ۹۰ بیش از ۸۰ درصد بازار لوازم خانگی در اختیار واردات بود، اما امروز بیش از ۷۰ درصد نیاز کشور از سوی برندهای داخلی تأمین می‌شود. در گروه‌هایی مثل یخچال‌فروز و ماشین لباسشویی، این سهم به ۹۰ درصد رسیده است.» اجاقی همچنین می‌گوید: «میانگین داخلی‌سازی در صنعت لوازم خانگی به حدود ۷۰ درصد رسیده است. در محصولات گازسوز مانند اجاق گاز، این رقم به ۱۰۰ درصد و در یخچال‌فروز به ۱۰۰ درصد می‌رسد. در حال حاضر حدود ۶۰ و ۴۰ درصد نیاز در این صنعت وجود دارد و نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر به‌طور مستقیم و بیش از یک‌میلیون نفر به‌صورت غیرمستقیم در آن مشغول کار هستند. این سطح از تولید و اشتغال سالانه حدود ۵میلیارد دلار صرفه‌جویی ارزی برای کشور به همراه دارد.»

قیمت تمام‌شده محصولات ایرانی به دلیل هزینه پایین انرژی، نیروی انسانی و مواد اولیه داخلی، کمتر از میانگین جهانی است. این مزیت رقابتی، زمینه حضور در بازارهای منطقه‌ای عراق، افغانستان، سوریه و کشورهای آسیای میانه را فراهم کرده است. ورود بیش از ۲۰ شرکت دانش‌بنیان به دلیل هزینه پایین انرژی، نیروی انسانی و مواد اولیه داخلی، کمتر از میانگین جهانی است. این مزیت رقابتی، زمینه حضور در بازارهای منطقه‌ای عراق، افغانستان، سوریه و کشورهای آسیای میانه را فراهم کرده است. ورود بیش از ۲۰ شرکت دانش‌بنیان به دلیل هزینه پایین انرژی، نیروی انسانی و مواد اولیه داخلی، کمتر از میانگین جهانی است. این مزیت رقابتی، زمینه حضور در بازارهای منطقه‌ای عراق، افغانستان، سوریه و کشورهای آسیای میانه را فراهم کرده است. ورود بیش از ۲۰ شرکت دانش‌بنیان به دلیل هزینه پایین انرژی، نیروی انسانی و مواد اولیه داخلی، کمتر از میانگین جهانی است. این مزیت رقابتی، زمینه حضور در بازارهای منطقه‌ای عراق، افغانستان، سوریه و کشورهای آسیای میانه را فراهم کرده است.

به گفته این مقام مسئول «قیمت تمام‌شده لوازم خانگی در ایران به دلیل پایین‌تر بودن هزینه انرژی، نیروی انسانی و برخی مواد اولیه، نسبت به یکمکه‌های سازمان یافته ایرانی به‌صرفه‌تری است» می‌تواند به تقویت رقابت‌پذیری برندهای ایرانی در بازارهای محلی کمک کند.» تغییر سهم بازار لوازم خانگی از ۸۰ درصد واردات در دهه ۹۰ به ۷۰ درصد تولید داخلی در سال ۱۴۰۴، یکی از مصادیق خودکفایی در صورت مدیریت واردات است. کاهش هزینه‌های وابسته و از جمله خروج از منطقه خطرناک «ایستگن حیاتی» است. در شرایط تحریم، هر ۱۰ درصد افزایش تولید داخلی معادل بیمه کردن کشور در برابر شوک‌های ارزی است. به گفته اجاقی «در دهه ۹۰ بیش از ۸۰ درصد بازار لوازم خانگی در اختیار واردات بود، اما امروز بیش از ۷۰ درصد نیاز کشور از سوی برندهای داخلی تأمین می‌شود. در گروه‌هایی مثل یخچال‌فروز و ماشین لباسشویی، این سهم به ۹۰ درصد رسیده است.»

قاچاق سالانه ۲میلیارد دلاری لوازم خانگی، بازاری شیرین و کم‌خطر برای شبکه‌های سازمان یافته ایجاد کرده که سود آن چند برابر تجارت قانونی است. کالا‌های خارجی بدون پرداخت عوارض صنفی، مالیات و خدمات پس از فروش، با قیمتی ۳۰-۵۰ درصد پایین‌تر وارد می‌شوند و مستقیماً تولید داخلی را زیر تیغ رقابت ناعادلانه می‌برند. این حجم قاچاق ۵میلیارد دلار صرفه‌جویی ارزی صنعت را خشن می‌کند. نقد اصلی به ضعف سامانه‌های نظارتی برمی‌گردد: مبادی ورودی همچنان نفوذپذیرند و اجرای قانون مبارزه با قاچاق کالا کافی است. واردکنندگان غیررسمی با لابی‌گری و عملیات رسانه‌ای، تولیدکنندگان را تمهید می‌کنند تا زمینه قانونی‌سازی واردات را فراهم کنند. دبیر انجمن صنایع لوازم خانگی می‌گوید: «قاچاق لوازم خانگی بیش از ۲میلیارد دلار در سال بر آورد می‌شود، کالاهایی که بدون خدمات پس از فروش، بدون پرداخت عوارض و با قیمت پایین‌تر وارد بازار می‌شوند و رقابت ناعادلانه‌ای را علیه تولیدکنندگان قانونی رقم می‌زنند.» اجاقی همچنین با اشاره به ارتقای فناوری و کیفیت محصولات داخلی تأکید می‌کند: «بر اساس نظر سنجی وزارت صمت، میزان رضایت مصرف‌کنندگان از محصولات ایرانی به حدود ۸۰ درصد رسیده است. امروز در شاخص‌هایی مانند دوام، مصرف انرژی و خدمات پس از فروش، برندهای داخلی با برندهای کره‌ای و اروپایی رقابت می‌کنند. در فناوری‌های خاص مانند پنل‌های OLED یا کمپرسورهای هوشمند هنوز فاصله‌ای وجود دارد، اما با ورود شرکت‌های دانش‌بنیان و سرمایه‌گذاری‌های جدید این فاصله در حال کاهش است.» به این اوصاف تلاش برای محدود کردن تولید داخل و فضا دادن به وارداتی‌ها باید مهار شود. یادمان نرفته است که رهبر حکیم انقلاب از ۲۰دبشبهت امسال در دیدار کارگران گفتند: «ما الان در برخی از اجناس و وسایل مربوط به زندگی داخل منزل و دیگر چیزها، کیفیت محصولاتمان از خارج ار بهتر نباشد، کمتر نیست. این را فرهنگ کنیم، به عنوان یک فرهنگ رایج، ایرانی وظیفه خودش بداند که جنس از آن چیزی که در داخل تولید می‌شود، همه وظیفه خودش بداند، این را فرهنگ کنیم.»